

بررسی موانع مستقیم عبرت پذیری از منظر روایات

فاطمه قندعلی^۱

^۱. سطح ۲، مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها_مسجد سلیمان

چکیده

عبرت پذیری یکی از اصول اصیل برای رشد انسان می باشد؛ که به واسطه ی تجربیات گذشته و سرگذشت پیشینیان و آموزه های دینی شکل می گیرد. اما گاهی موانعی موجب می شوند این امر برای انسان حاصل نشود. در این مقاله به موانع عبرت پذیری از دیدگاه روایات و احادیث معصومین پرداخته شده است. در این تحقیق، سعی شده تا با تبیین اهمیت عبرت آموزی در کلام معصومین ابتدا خواننده راغب به کسب علم درباره موضوع شود و سپس با بیان کلمات معصومین در نکوهش عدم عبرت پذیری، جایگاه این مطلب در نظر ایشان مشخص شود. سپس با رجوع به منابع حدیثی مواردی مانند غفلت، کفر، پیروی از هوای نفس به عنوان عواملی که می توانند مانع رسیدن انسان به درک درست و عمیق از وقایع و عبرت گرفتن از تجربیات باشند؛ شمرده شده اند. با شناخت این مسائل و غلبه کردن بر آن ها، انسان ها می توانند با عبرت گرفتن از وقایع به رشد هرچه بیشتر خود کمک کنند؛ و از تجربیات گذشتگان در راه سعادت خود بهره مند شوند. لذاست که در این تحقیق با استفاده ترکیبی از روش توصیفی و روش تاریخی پژوهش، ابتدا نیاز امروزی به امر عبرت آموزی را بیان و به روش تحقیق تاریخی و تاثیر پذیری از گذشتگان به بیان موانع پیش آمده در گذشته، که مایه درس گرفتن امروزیان می باشد به بررسی پرداخته ایم.

کلیدواژه: عبرت پذیری، عبرت در روایات، معانی عبرت، موانع عبرت

مقدمه

عبرت پذیری، یکی از خصوصیات و ویژگی های برجسته انسان می باشد که چنانچه در کسی نمود پیدا کند؛ نشان دهنده ی بلوغ فکری وی می باشد. این که انسان بتواند از تجربیات گذشته خود و پیشینیان، در راه رشد خود در زمینه های اجتماعی، اخلاقی، معنوی و... بهره مند شود اهمیت فراوانی دارد. چرا که این امر موجب می شود فرد راهی که برخی گذشته گان رفته اند و آن ها را به نابودی کشانده است نرود و از سرنوشت گمراهان برای کج نرفتن خود و از سرنوشت سعادتمندان برای رشد خود استفاده کند.

از آن جا که دین اسلام در پی رساندن انسان به سعادت است؛ لذا در منابع اسلامی تاکید بسیار زیادی بر عبرت گیری از وقایع و سرگذشت ها شده است. و با بیان سرنوشت ها و مسائل تاریخی که در رشد انسان موثر هستند؛ در واقع انسان را به تفکر و تأمل و میدارند و از عبرت گیری به عنوان یک روش تربیتی در منابع اسلامی استفاده شده است. لذاست که در جای جای قرآن کریم و روایات معصومان از انسان دعوت شده است تا در مسائل پیرامون خود و آن چه بر سر گذشتگان آمده است تفکر کند و از آن ها عبرت بگیرد و حتی در برخی موارد دست به نکوهش کسانی زده اند که اهل عبرت گرفتن نیستند و ایشان را از گمراهان دانسته اند.

با وجود فواید زیادی که عبرت گرفتن دارد؛ و با این که منابع غنی اسلامی بر پر اهمیت جلوه دادن این امر همت گماشته اند؛ اما شاهد آن هستیم که باز هم برخی انسان ها، راه تجربه شده ی گذشته گان را در پیمودن برخی مسیر ها در پیش می گیرند و یا فردی که یکبار مرتکب اشتباهی شده است؛ مجدداً در مسیر زندگی همان اشتباه را تکرار می کند. با توجه به نکاتی که در اهمیت عبرت آموزی بیان شد؛ لازم است که به بررسی مسائلی که ممکن است مانع از عبرت پذیری انسان می شوند؛ بپردازیم و برای این امر، بدون شک، بهترین و غنی ترین منبع برای ما روایات معصومین خواهند بود. ما نیز برای کشف این موانع به بیان ایشان مراجعه می کنیم. چه آنکه کلام ایشان دور از خطا می باشد و چنانچه تشخیصی در بیان ایشان برای این درد عبرت ناپذیری بشر وجود داشته باشد؛ بهترین تشخیص هاست. و ایشان اند که بهترین دارو ها را تجویز می کنند.

غایت ما از این تحقیق، این می باشد که ان شاء الله تعالی خوانندگان محترم با شناخت مسائلی که موجب غفلت آنان می باشد؛ را درست بشناسند و در زندگی خود بکوشند که از آنان دوری کنند؛ تا به عواقب غفلت از عبرت ها در زندگی دنیا و آخرت خود گرفتار نشوند.

بررسی معنای عبرت

لغت عبرت به کسر عین، کلمه ای عربی و ریشه آن «ع ب ر» و بر وزن فَعْلَه می باشد.

معانی مختلفی برای عبر ذکر شده است. مانند: سنجش، عبور کردن، تعجب و... که در ذیل به چند مورد از معانی آن که در کتب علما آمده است؛ اشاره می کنیم.

در کتاب مفردات راغت چنین معنا شده است: «حالت و کیفیتی که قابل مشاهده بوده و انسان به سبب آن به آنچه غیر قابل مشاهده است منتقل می شود».^۱

در توضیح این معنا می توان گفت: دیدن ها دو شکل می باشند؛ برخی دیدن ها این طور می باشد که از همان چیزی که با چشم قابل مشاهده می باشد بیشتر نیست. و تنها حوادث و رخداد ها را می بیند به مانند حیوانات که دیدنشان محصور به آن چیزی است که چشمشان می بیند. اما یک دیدن دیگر است که علاوه بر آن چه دیده ظاهر می بینید چیزهایی نیز که پشت پرده آن هاست؛ می بیند. مانند: اقتصاد دانی که وقتی گرانی و ارزانی را مشاهده می کنند؛ می تواند پی به برخی امور ببرد.^۲ عبرت گرفتن، مانده همین دیدن دوم است. فردی که عبرت می گیرد تفاوتش با دیگران در این است که او علل و عوامل و لوازم آن چه دیده است را نیز بررسی کرده؛ و از نتایج آن استفاده می کند. اما دیگران این چنین نیستند؛ و به همان حس بینایی خود بسنده می کنند.

مرحوم طبرسی در تفسیر شریفشان می فرمایند: «نحو دلالتی می باشد که فرد را به مقصودش می رساند».^۳

ابن منظور به معنای عبرت، تعجب را نیز اضافه می کند؛ و بیان می دارند که: «گاهی این کلمه به معنای تعجب می آید».^۴ در ذیل این معنا حضرت آیت الله مکارم شیرازی آورده اند که: «معنای تعجب شاید بدان جهت باشد که فرد از حوادث مهم کشف می کند که آن مسئله تعجب آور می باشد».^۵

۱. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۵۴۳. «أَصْلُ الْعِبَرِ تَجَاوُزٌ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ»

۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۴، ص ۲۱۰

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۱۵

۴. ابن منظور، لسان العرب، ص ۳۵۰

۵. ناصر، مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۱، ص ۱۶۳

از مجموع مطالبی که در باب معنای عبرت بیان شد؛ بدست می آید که عبرت در واقع ایجاد شدن یک دگرگونی درونی در انسان می باشد؛ که منشا آن دگرگونی یک امر محسوس و خارجی است. معادل و معنای فارسی عبرت، «پند و اندرز» می باشد^۱. و این معنا، نزدیک ترین معنا به آن چیزی است که ما در این نوشته به آن می پردازیم.

اهمیت عبرت آموزی

در قرآن کریم و روایات معصومین توجه ویژه ای به عبرت آموزی شده است. در قرآن کریم، خداوند متعال با تعبیر مختلفی انسان را دعوت به توجه در پیرامون خود و سرگذشت پیشینیان و پند آموزی از حوادث و اتفاقات کرده است.

خداوند متعال در قرآن کریم هفت مرتبه بصورت مستقیم واژه ی اعتبار و عبرت را بیان داشته اند؛ و افراد اهل بصیرت را ترغیب به عبرت آموزی کرده اند.^۲ همچنین در موارد متعدد در قرآن کریم بصورت غیر مستقیم به عبرت آموزی اشاره شده است و انسان را دعوت نموده اند که با سیر در زمین و تفکر در حال گذشتگان درس بگیرد. که برخی از آن موارد عبارت اند از: آیه ۴۶ سوره حج، آیات ۲۱ و ۸۲ سوره غافر، آیه ۱۰۹ سوره یوسف، آیه ۹ سوره روم، آیه ۱۳۷ سوره آل عمران، آیه ۱۱ سوره انعام، آیه ۶۹ سوره نمل، آیه ۲۰ سوره عنکبوت، آیه ۳۶ سوره نحل، آیه ۴۴ سوره فاطر و آیه ۴۲ سوره روم.

به تبع قرآن کریم در روایات معصومین نیز به مسئله عبرت و پند آموزی توجه زیادی شده است که در ذیل چند مورد از این روایات را بیان می کنیم:

۱. امام علی علیه السلام: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا تَفَكَّرَ وَاعْتَبَرَ، فَأَبْصَرَ إِدْبَارَ مَا قَدْ أَدْبَرَ، وَحُضُورَ مَا قَدْ حَضَرَ»^۳ «رحمت خدا بر بنده ای که تفکر کند و عبرت بگیرد. پس رفتن آن چیزی که رفته است و آمدن آن چیزی که آمده است را ببیند.»

۱. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، ذیل «عبر»

۲. قائمی مقدم، محمدرضا، عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه، ص ۲

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۹، ص ۱۱۹

کند؛ و تابش نور عبرت را به طوفان شهوت خود خاموش نماید. چون هوس بر ویرانی عقل خود اقدام کند. هر که عقلش را ویران کرد دین و دنیایش تباه شود.^۱

۵. فراموشی مرگ و آخرت

یکی از عواملی که باعث می شود انسان در رفتار خود دقت بیشتری داشته باشد؛ و برای انجام هر عملی ابتدا بررسی های لازم را انجام دهد که آیا این عمل مورد رضای مولا می باشد یا خیر، یاد مرگ است. یاد مرگ موجب می شود انسان از اشتباه گذشتگان درس بگیرد و از سرگذشت آن ها که با کجروی، خود را در دام هلاکت انداختند؛ درس بگیرد و مراقبت کند که اعمالش همانند گمراهان نباشد.

در کتاب کافی شریف حدیثی از پیامبر در باب شور و شوق نسبت به عبادت ذکر شده است. که در قسمتی از آن روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: « برای موعظه و پند مرگ کافی است. و برای بی نیازی یقین کافی است. و برای مشغول بودن عبادت بس است.»^۲

در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای این که انسان از پیرامون خود درس و موعظه بگیرد؛ یاد مرگ را کافی می دانند. لذا چنانچه کسی از یاد مرگ غافل شود؛ ممکن است دچار حالتی شود از گذشت دوران و سرگذشت خویشان و گذشتگان و وقایع و تجربیات خویش درس نگیرد. زیرا کسی که از یاد مرگ غافل شود؛ خود را بی نیاز از آن می داند که در رفتار و اعمال خود تفکر کند. و این موجب می شود که دست به هرکاری که ممکن است موجب هلاکت اخرویش بشود بزند.

موانع غیر مستقیم

مواردی که ذکر شد؛ در روایات معصومین بصورت مستقیم به عنوان موانع عبرت آموزی انسان ها برشمرده شدند. اما با توجه به آموزه های دین اسلام شاید بتوان برخی عوامل دیگر را نیز بر شمرده که آن ها نیز بصورت غیر مستقیم مانع از عبرت گرفتن انسان ها می شوند. به این معنا که درست

۱. کمره ای، محمدباقر، ترجمه اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳

۲. مصطفوی، سید جواد، ترجمه اصول کافی، ج ۳، ص ۱۳۶

است در روایات معصومین از علل عبرت نپذیرفتن انسان ها ذکر نشده اند. اما به جهت خاصیتی که دارند موجب می شوند انسان نسبت به درس هایی که می تواند در زندگی بگیرد بی توجه باشد.

مسائلی مانند تکبر، دوستان ناباب، حب دنیا، عدم مطالعه تاریخ گذشتگان و... را می توان از این امور دانست. برای مثال، در روایات معصومین به کرات از تاثیر دوستان و همنشینان سخن به میان آمده است. و گفته شده است انسان چنانچه با جماعتی همنشین شود رنگ آن جماعت به خود میگیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی می فرماید: « المرء علی دین خلیله و قرینه»^۱. لذا اگر انسان با افرادی که بی توجه به وقایع و سرگذشت ها هستند همنشین باشد او نیز به این درد گرفتار خواهد شد. و در جای دیگر می فرماید: « حب الدنیا راس کل خطیئة»^۲ لذا انسانی که حب دنیا دارد مدام در حال به خطا رفتن است. و از خطای خود نیز درس نمی گیرد. و با این که دنیا به او وفایی نمی کند و چیزی از دنیا نصیب او نمی شود؛ باز هم به اشتباه خود ادامه می دهد.

از آن جا که به یک معنا می توان تمام عیوب اخلاقی انسان را در این دسته بندی داخل کرد؛ لذا در این قسمت به همین میزان بیان بسنده می کنیم. به جهت این که بررسی تمام این مسائل از حد این مقاله فراتر است. و بصورت کلی می توان گفت آنچه در انسان مانع از حق پذیری است؛ می تواند مانعی باشد تا انسان از وقایع دوران درس بگیرد. زیرا در هر واقعه ای درسی نهفته است که تنها انسانی که از پس نفس خود بر آمده باشد و بر آن احاطه داشته باشد می تواند به همه این مسائل و درس ها ملتزم باشد.

۱ . حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۴، ص ۲۰۷

۲ . محمدی ری شهری، محمد، گزیده حکمت نامه پیامبر اعظم، ج ۱، ص ۳۸۴

نتیجه

با در نظر گرفتن روایات معصومین علیهم السلام، می توان گفت یکی از راه های سعادت انسان این است که به سرگذشت گذشتگان دقت کند؛ و از آن ها درس بگیرد. اما گاهی موانعی برای این امر وجود دارد. پس برای این که انسان بتواند از این از وقایع زندگی در راه کمال خود بهره مند شود؛ لازم است تا موانع عبرت پذیری را بداند و در راه برطرف کردن این موانع بکوشد. و چون اسلام بهترین و تنهاترین راه سعادت حقیقی انسان است؛ لاجرم به بهترین شکل می تواند این مسئله را بیان کند. و از آن جا که ائمه اطهار آئینه ی تمام نمای اسلام هستند؛ پس لازم است موانع عبرت آموزی از منظر ایشان بررسی شود. با رجوع به بیانات ائمه معصوم علیهم السلام می توان گفت عواملی که مانع از عبرت گرفتن انسان می شوند؛ دو دسته کلی هستند. برخی از این عوامل در احادیث بصورت مستقیم مانع از عبرت گرفتن انسان شناخته شده اند؛ و بصورت صریح به آن ها اشاره شده است. مانند: غفلت، کفر، پیروی از هوای نفس، غفلت از مرگ و عدم تفکر. و دسته دوم، عواملی هستند که هرچند بصورت صریح گفته نشده که مانع از عبرت انسان هستند؛ لکن به جهت بیاناتی که ایشان در مورد آن عوامل دارند؛ می توان آن ها را نیز جزء موانع عبرت آموزی انسان برشمرد. عواملی مانند همنشین نامناسب، تکبر، حب دنیا و... می توان گفت این دسته دوم، شامل تمام مسائلی می باشند که به هر نحوی در انسان به عنوان عیب شمرده می شوند. زیرا آن که عبرت نمی گیرد؛ در واقع حقیقت را نمی بیند. و کسی که عیبی در او باشد لاجرم در مقابل پذیرش برخی حقایق مقاومت می کند. انسانی که می خواهد در زندگی خود به سعادت برسد لازم است نسبت به موانع عبرت آموزی توجه داشته باشد. و چنانچه در درون خود یکی از این موانع را می بیند؛ به درمان و برطرف کردن آن همت گمارد و بهترین راه درمان این مسائل نیز در روایات معصومین ذکر شده است. که بررسی آن ها مد نظر این مطلب نبوده و لازم است در تحقیقی مجرا به آن ها پرداخته شود.

فهرست منابع

- قرآن
- نهج البلاغه

منابع فارسی:

- خسروی، موسی، ترجمه جلد هفدهم بحار الانوار، تهران: اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴.ش.
- فیض الاسلام اصفهانی، سید علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، تهران: فقیه، چاپ هشتم، ۱۳۸۴.ش.
- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: انتشارات اسلام، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.ش.
- کمره ای، محمدباقر، ترجمه اصول کافی، قم: اسوه، چاپ اول، بی تا.
- محمدی ری شهری، محمد، گزیده حکمت نامه پیامبر اعظم (ص)، قم: موسسه فرهنگی دار الحدیث، چاپ سوم، ۱۳۹۴.ش.
- مصطفوی، سید جواد، ترجمه اصول کافی، تهران: اسلامیه، چاپ اول، بی تا.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، قم: صدرا، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۹.ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۸۶.ش.
- میرزایی، نجفعلی، شگفتیه‌های آفرینش از زبان امام صادق (ع) یا توحید مفضل، قم: هجرت، چاپ بنجم، ۱۳۷۷.ش.
- قایمی مقدم، محمدرضا، «عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه»، حوزه و دانشگاه، شماره ۲۷، ۱۳۸۰.ش.

منابع عربی:

- ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴.ق.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم و درر الکلم**، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ هشتم، ۱۳۹۵.
- حرعاملی، محمدبن حسن، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، تهران: اسلامیة، چاپ نهم، ۱۳۸۷ ه.ش.
- خوئی، حبیب الله، **منهاج البرائة فی شرح نهج البلاغه**، قم: انتشارات دار العلم، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه.ش.
- راغب اصفهانی، حسین، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
- رسولی محلاتی، سید هاشم، **غرر الحکم و درر الحکم آمدی (ره) با شرح و ترجمه فارسی**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ه.ش.
- قاسم، عیسی احمد، **محراب التقوی و البصیره**، بیروت: دار الفقیه المقاوم، چاپ اول، ۱۴۳۷ ق.
- کراجکی، عبدالله نعمه، **کنز الفوائد**، قم: مجمع ذخائر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، تهران: اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ ه.ش.
- محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۵ ه.ش.